

جان بارت

گم شده در شهر بازی

مترجم: شیوا مقانلو

www.ketab.ir

نیما

سرشناسه: بارت، جان، ۱۹۳۰م. Barth, John
عنوان و نام پدیدآور: گم‌شده در شهر بازی / جان بارت؛ مترجم شیوا مقالو.
* مشخصات نشر: تهران: نشر نیماژ، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ۱۶۰ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۶۷-۵۷۹-۷
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات: فیپا
یادداشت: عنوان اصلی: Lost in the funhouse: fiction for print, tape, live voice, 1988
موضوع: داستان‌های آمریکایی -- قرن ۲۰م.
موضوع: American fiction -- 20th century
شناسه‌ی افزوده: مقالو، شیوا، ۱۳۵۴، مترجم. Moghanloo, Shiva
رده‌بندی کنگره: ۳۴ الف / ۳۵۵۳ PS رده‌بندی دیویی: ۸۱۳/۵۴
شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۱۲۵۷۸۹۲

جان بارت گم‌شده در شهر بازی مترجم: شیوا مقالو

نشر: نیماژ
ویرایش: تحریریه‌ی نشر نیماژ
مدیر هنری و طراح گرافیک: محمد جهانی‌مقدم
لیتوگرافی: نقش‌آور / چاپ‌وصحافی: فارابی
نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۱ / تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
ISBN: 978-600-367-579-7
قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان

نیماژ

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، خیابان لبافی‌نژاد، شماره ۱۸۴، تلفن: ۶۶۴۱۱۴۸۵

 Nimajpublication
 Nimajpublication@gmail.com
 www.nashrenimaj.com
 ۰۹۱۹۵۱۴۴۱۰۰

حق چاپ و نشر انحصاراً محفوظ است.

فهرست

۵	فهرست
۷	مقدمه‌ی مترجم
۱۱	یادداشت نویسنده
۱۵	قصه در قصه
۱۹	نشان او، آمبروز
۴۷	پیغام آب
۷۱	گم‌شده در شهربازی
۱۰۵	عریضه
۱۲۳	دو مراقبه
۱۲۵	زندگینامه‌ی خودنوشت: داستانی که خودش را ثبت کرده
۱۳۱	عنوان
۱۴۳	داستان زندگی

مقدمه‌ی مترجم

داستان ترجمه‌ی این کتاب، خود داستانی طولانی است.

جان بارت از مهم‌ترین چهره‌های زنده‌ی ادبیات پست‌مدرن جهان است، از اولین‌ها و این مجموعه از مهم‌ترین آثار این حوزه که در برخی دانشگاه‌های جهان به‌عنوان نمونه‌ی عالی ادبیات متافیکشن (فراداستان) تدریس می‌شود. دلیل من برای ترجمه‌ی این کتاب دشوار و پر از بازی‌های زبانی، همان دلیلی بود که به‌خاطرش آثار دونالد بار تلمی را هم برای اولین بار ترجمه و به‌شکل کتاب منتشر کردم: آشنا کردن مخاطب علاقه‌مند با بهترین نمونه‌های ادبیات پست‌مدرن به‌شکل مستقیم و عینی و نه به‌واسطه‌ی نظریات گاه درست و گاه اشتباه ادبی که از دهه‌ی هفتاد شمسی به این سو میان علاقه‌مندان این حوزه‌ها مطرح می‌شدند.

«گم‌شده در شهربازی» اگر در همان زمان ترجمه‌اش چاپ می‌شد، اولین ترجمه به زبان فارسی از آثار بارت بود؛ اما نشد و نیازی هم به ذکر دلیلش نیست. بارها رفتم و آمدم و ناامید نشدم و کفش آهنی به پا کردم تا بالاخر مجموعه با شرط حذف چند داستان اجازه‌ی چاپ گرفت. البته خودم پیشاپیش دو داستان "منلید" و "آنونمید" را کنار گذاشته بودم، چون هم از نظر مضمونی مشخصاً امکان چاپ در ایران را نداشتند و هم از نظر ارجاعات اسطوره‌ای فراوان و بازی‌های زبانی اغراق‌شده

عملاً در زبان فارسی مثله می‌شدند. گرچه بسیار متأسف‌آم که این مجموعه بدون آن «داستان‌ها چاپ می‌شود، اما امیدوارم جایگاه مهم این کتاب در ادبیات جهان خواننده‌ی فارسی‌زبان را همچنان راغب و راضی نگه دارد؛ به خصوص که خود بارت در مقدمه‌اش تأکید کرده که داستان‌های این کتاب اساساً به قصد یک مجموعه نوشته نشده‌اند بلکه طی زمان نوشته و گردآوری شده‌اند. به هر رو، با جدی شدن روند چاپ این کتاب در نشر نیماژ، تابستان امسال و با یک ویرایش دقیق، داستان‌ها را از نو خواندم، ترجمه‌ام را از نو مطابقت دادم و کتاب را از نو آماده کردم.

داستان‌های این کتاب اساساً دو سبک مختلف دارند که چینش آن‌ها در کنار هم انتخاب خود مؤلف بوده است: یا واقعاً قصه می‌گویند یا درباره‌ی قصه‌گویی هستند. مثلاً دو داستان اول کتاب سبکی رنال و قصه‌گو دارند و به زندگی و روزگار پسرکی کتاب‌خوان و رویاباف به نام آمبروز می‌پردازند. داستان «نشان او، آمبروز» از زبان خود آمبروز روایت می‌شود؛ اما «پیغام آب» از زبان راوی بیرونی. البته زبان فاخر و طنز پنهانی که از ویژگی‌های همیشگی اثر بارت است، در این داستان‌ها نیز مشهود است تا آن‌ها را از داستان‌های مشابه درباره‌ی پسرچه‌ها جدا کند. جالب اینکه سومین داستان کتاب، یعنی «گم‌شده در شهربازی» باز هم درباره‌ی آمبروز است؛ اما ساختاری بسیار متفاوت دارد؛ چون راوی در جابه‌جای داستان ناگهان شروع به سخن می‌کند و با گفتن مطالبی نظری درباره‌ی داستان‌نویسی، حواس خواننده را پرت می‌کند. افکار خود آمبروز، شخصیت اصلی کتاب، نیز با سیالیت ذهن مدام بین حال و گذشته و خیال و واقعیت، در نوسان است. بنابراین، بسیاری از عبارات این داستان ترکیبی از اتفاقات همان لحظه با گذشته هستند. داستان «عریضه» با ساختاری کاملاً متفاوت از تمام کتاب، به شکل نامه‌نگاری روایت می‌شود و لحنی خاکسارانه دارد. داستان کوتاه «دو مراقبه» از لحاظ ساختاری به فلش‌فیکشن نزدیک می‌شود و درعین حال، لحن مالیخولیایی سوررئالیستی بر آن غالب است. باقی داستان‌های کتاب از عجیب‌ترین و مهم‌ترین نمونه‌های ادبیات پست‌مدرن به‌شمار می‌آیند. سه

داستان «زندگینامه‌ی خودنوشت»، «عنوان» و «داستان زندگی» با روایتی فراداستانی (متافیکشنی) خواننده را به گفت‌وگویی مستقیم با داستان/راوی وامی‌دارند. این سه درواقع داستان‌هایی هستند که در حین نوشتن روایت می‌شوند و جان می‌گیرند؛ داستان‌هایی هستند درباره‌ی داستان که بارت بارها در مقام نویسنده/راوی/ناظر/متن واردشان می‌شود و گفت‌وگویی چندجانبه را هم با متن و هم با خواننده شروع می‌کند. سه داستان آخر را کلاس درسی برای تمام نویسندگان می‌دانم، کلاسی که بارت در آن عین آوردن و ذکر کردن تمام تمهیدات ادیبانه و دشوار و لفاظی‌های پست‌مدرنی، نهایتاً نوشتار خودش را به تمسخر می‌گیرد و ایرادات چنین سبکی را در دل خود این سبک عیان می‌کند.

این کتاب آمیزه‌ای از ارجاعات فرامتنی و بینامتنی است و نشانگر تسلط عمیق بارت و دانش فراگیر او به ادبیات کلاسیک شرق و غرب. در این کتاب شهرزاد هزارویک شب همان قدر حضور دارد که ادیب اسطوره‌های یونان و شخصیت‌های آثار شکسپیر. جان بارت علاوه بر استفاده‌ی مداوم از اسطوره‌ها و دست‌انداختن و به‌روزکردن آن‌ها (یعنی یکی از رایج‌ترین ویژگی‌های ادبیات پست‌مدرن)، بارها پای علم روان‌کاوی را هم وسط می‌کشد و انگار در گفت‌وگویی مستقیم ناخودآگاه شخصیت/متن/خواننده را روی کاغذ می‌آورد؛ به‌خصوص کتاب ارجاعات بسیاری به مباحث مطرح‌شده در روان‌کاوی متأثر از فروید دارد. سبک نوشتاری بارت نیز سبکی پیچیده و دشوار است، هم از نظر تعدد ارجاعات و بازی‌های زبانی بدیع و ساختار گرامری متفاوت در انگلیسی و هم از نظر ترکیب عبارات کهنه و منسوخ ادبی با اصطلاحات نو و امروزی و نیز جملات طولانی و پیچیده و پر از معترضه و هم از نظر استفاده‌ی هم‌زمان از عبارات به‌اصطلاح «بریتیش» در وسط «آمریکن»‌ترین جمله‌بندی‌ها. این‌ها باعث می‌شود چند داستان آخر این کتاب با سبکی غریب میان داستان و مقاله و نقد و تحلیل در رفت‌وآمد باشند و همچنین مخاطب را به مکالمه‌ای نفس‌گیر با خودشان وادار کنند. بارت در این کتاب هم

نویسنده‌ای نکته‌سنج و خوش‌قلم و صاحب‌سبک است و هم استاد دانشگاه و نظریه‌پرداز و سختگیر و همین‌هاست که ترجمه و طبعاً خواندن این کتاب را به چالشی خاص تبدیل می‌کند و ما را به سفری توأمان راحت و سخت می‌برد.

فهرست افتخارات این چهره‌ی تأثیرگذار ادبیات جهان نیز طولانی است؛ از کسب جایزه‌ی اسکات فیتزجرالد و جایزه‌ی بنیاد لانان به خاطر دستاوردهای ویژه در زبان انگلیسی گرفته تا کسب جایزه‌ی پن مالامود، نامزدی در جایزه‌ی ملی ادبیات آمریکا، عضویت در آکادمی هنر و کلمه و...

«گم‌شده در شهر بازی» راه طولانی و پردست‌اندازی را آمده تا به اینجا و دست شما برسد. امیدوارم از اینجا به بعد، راهش آسان و روشن باشد.

شیوا مقانلو